

سرمقاله:

ضرورت انتشار نشریه

اینک که خلق ما متحد و یک پارچه پس از نبردی خونین رژیم سلطنتی را واژگون کرده و در جهت نابودی کامل ارتجاع و سلطه امپریالیسم پیش می‌رود..... اینک که وظیفه همه نیروهای انقلابی است که دست‌آوردهای انقلاب را حفظ کنند و بکوشند تا آخرین بقایای ضد انقلاب را براندازند.

ما وظیفه خود می‌دانیم که با انتشار یک نشریه ویژه کارگری قدمی دیگر در جهت ارتقاء جنبش کارگری برداریم. کارگران مبارز ما همیشه در مبارزه بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری نقش مهمی داشته‌اند، هنوز وظیفه سنگینی بر دوش دارند و باید مبارزه را تا رسیدن به نتیجه نهایی دنبال کنند.

کارگران مبارز میهن ما به ویژه کارگران صنعت نفت با شرکت در اعتصابات اقتصادی و سیاسی، با راهپیمائی‌ها و میتینگ‌ها، نقش مهمی

بقیه در صفحه ۲

اجتماع پرشور مردم بر مزار مصدق

آیت الله طالقانی:
تفرقه‌افکنی یکی از خصائص
استبداد است.

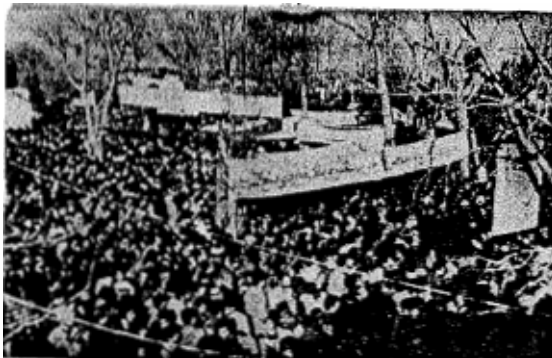
×××

نماینده چریک‌های فدائی خلق
ایران:

رهبران حزب توده با تبعیت
کورکورانه از سیاست احزاب
دیگر کشورها و طرح
شعارهای انحرافی، به وحدت
نیروهای خلقی آسیب رسانیدند.

×××

سازمان چریک‌های فدائی خلق
لغو کلیه بدهی‌ها و تعهدات
مالی کارگران دهقانان،
پیشروان و کارمندان را به
بانک‌ها و سایر موسسات
دولتی خواستار است.



این صحنه‌ایست از اجتماع مردم ایران بر مزار دکتر محمد مصدق صدها هزار نفر از مردم مبارزی که به دعوت سازمان چریک‌های فدائی خلق، سازمان مجاهدین خلق و نمایندگان جبهه دمکراتیک ملی در احمدآباد گرد آمده و خاطره همبستگی‌ها و پیامردی‌ها را زنده کردند و یاد دکتر مصدق رهبر جنبش ملی ایران را گرامی داشتند.

شرح در صفحه ۴

سندیکاها را بوجود آوریم اما
فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

در این شماره:

- سرمقاله
- بزرگداشت مصدق
- سندیکاها را بوجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم
- ضدانقلاب را افشا کنیم
- سرلشکر قره‌نی کیست و چه ماموریتی دارد؟
- آیا سیاست وزیر کار همان سیاست وزیران گذشته است
- بزرگداشت شهدای صنعت چاپ
- سخنان کارگران در اجتماع وزارت کار
- خبرها و گزارشهای روستائی
- کارگران خود سخن می‌گویند
- شعر و ادبیات انقلابی
- سانسور در مطبوعات محکوم است
- در کارخانه‌ها چه می‌گذرد؟

در نظام سرمایه‌داری که هنوز بر قسمت وسیعی از جهان و از جمله بر کشور ما حکمفرماست اگر چه کارگران به ظاهر آزادند و مثل برده، زنجیری بدست و پا ندارند، و یا مثل رعیت قانونا مجبور به زندگی و کار در محل معین و برای ارباب خاص نیستند. اما با رشته‌های متعدد اقتصادی در اسارت سرمایه زندگی می‌کنند.

کارگران با نداشتن وسایل تولید چاره‌ای جز فروش نیروی کارشان ندارند. در نظام سرمایه‌داری همه چیز برای فروش در بازار تولید می‌شود، نه برای مصرف تولیدکنندگان.

کارگران تنها نیروی کارشان را دارند که در ردیف دیگر کالاها در بازار سرمایه‌داری بفروشند، در عین حال نیروی کار کالائی

بقیه در صفحه ۱۴

آیا سیاست وزیر جدید کار
ادامه سیاست وزیران گذشته نیست؟

خرد کرده است. اما اینک پس از واژگونی رژیم ضدخلق پهلوی چه کسی باید به خواست‌های سیاسی و اقتصادی آنها پاسخ قطعی و روشن بدهد؟ هنوز دولت موقت هیچ گونه اقدامی در جهت بر آورده ساختن خواستهای آنها نکرده است و کارگرانی که به وزیر کار متوسل شده اند هیچ جواب روشنی نگرفته اند. یک نمونه آن اجتماع روز شنبه ۱۲/۱۲/۵۷ حدود ۵۰۰ نفر از کارگران است که در وزارت کار اجتماع کردند و از وزیر کار خواستند که در جهت خواستهای آنها گامهای عملی برداشته شود.

چه کسی به کارگران پاسخ خواهد داد؟

کارگران مبارز ما اینک با انبوهی از مسائل و مشکلات روبرو هستند همان کارگران که در صفوف خلق ما در مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم شاه خائن پیا خاستند و در سرنگونی رژیم پهلوی و وارد آوردن ضرباتی به امپریالیسم سهم عمده‌ای داشته‌اند.

کارگران مبارز ما همه سختی‌ها را تحمل کرده‌اند. شهید داده‌اند، اخراج شده‌اند، مزد آنها پرداخت نشده است، کرایه خانه آنها عقب افتاده و قرض و بدهی آنها کاری است که کمر آنها را

بقیه در صفحه ۳

بقیه سرمقاله ...

در سرنگونی رژیم منفور و سرسپرده پهلوی ایفا نموده و سرانجام همراه با اقشار و طبقات دیگر خلق در قیام مسلحانه شرکت کردند، و جان باختند تا با خون خود نهال انقلاب را آبیاری کنند.

آیا کسی می‌تواند ادعا کند که سرنگونی رژیم شاه بدون شرکت کارگران در جنبش اخیر ممکن بود؟ مسلماً خیر. زیرا هر کسی که این حقیقت را منکر شود یا چشمان خود را بر روی واقعیت بسته است و یا اینکه آدمی غرض ورز است. بهر حال با وجود اینکه طبقه کارگر عملاً در مبارزه نقش مهمی ایفا کرد، اما نتوانست آن نقش واقعی را که شایسته طبقه کارگر بود انجام دهد. علت آن را هم باید در نقاط ضعف جنبش کارگری ایران جستجو کرد. جنبش کارگری ما هنوز نقاط ضعف بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به مسئله عدم تشکل و سطح نسبتاً پائین آگاهی کارگران اشاره کرد.

طبقه کارگر که انقلابی‌ترین و مترقی‌ترین طبقه است، تنها نیروئی است که می‌تواند در جهت منافع خلق، مبارزه را بدون عقب‌گرد، بدون سازش و با قاطعیت هرچه تمامتر پیش ببرد و خلق را تا پیروزی نهائی رهبری کند.

اینک ببینیم که هدف از انتشار این نشریه چیست و چه نقشی می‌تواند در جهت تشکل، آگاهی و مبارزات جنبش کارگری ایران داشته باشد؟

رفقای کارگر! هرچند که تا به حال خلق ما در مبارزات خود به پیروزی‌هایی دست یافته و رژیم سلطنتی را سرنگون کرده است، اما هنوز خیلی چیزها دست نخورده باقی مانده است. ارتش ضد خلقی هنوز کاملاً از بین نرفته و سرمایه‌داران خارجی همچنان کنترل اقتصادی کشور را در دست دارند. کارفرما، همان کارفرمای قبلی است یعنی همان سرمایه‌دارانی که شریک سرمایه‌داران خارجی هستند. استثمار هنوز هم ادامه دارد. شوراهای کارگری و ارتش خلقی هنوز بوجود نیامده است. سندیکای فرمایشی و قوانین ضد کارگری تغییری نکرده و سیستم پلیسی همچنان بر کارخانه‌ها حکمفرماست. و صدها نمونه دیگر. اما برای اینکه طبقه کارگر بتواند وظائف خود را انجام دهد و پیگیرانه خواسته‌های دموکراتیک خود را دنبال کند، باید درباره همه مسائل کشور، درباره سیاست و هر آنچه که بر این طبقه و طبقات دیگر می‌گذرد و خلاصه درباره همه مسائل آگاهی داشته باشد.

اگر کارگران نتوانند مسائل کشورمان را بشناسند، اگر نتوانند خودسری و اعمال زور را در همه جا، در کارخانه، در وزارت کار، در مجلس و غیره از جانب هر کس که باشد بشناسند و بر علیه آن اقدام کنند، مسلماً نمی‌توانند نقش واقعی خود را ایفا نمایند.

کارگران باید از وقایع روز، از حوادثی که در اطرافشان

می‌گذرد، از مسائل کارخانه، از خواسته‌های سایر اقشار خلق، از سیاست دولت و مسائل جهانی آگاه باشند. باید دانست فلان قانونی که به تصویب می‌رسد، به نفع چه کسی است؟ آیا به نفع زحمتکشان است یا به نفع سرمایه‌داران و مفتخورها؟ آیا دولت از کدام طبقه پشتیبانی و حمایت می‌کند و منافع کدام طبقه را در نظر دارد؟ طبقه کارگر باید بداند تا زمانی که مبارزه در چهارچوب چانه زدن برای افزایش مزد، حق مسکن، بیمه و غیره با سرمایه‌دار است وضع آنها تغییر اساسی نخواهد کرد. باید ریشه‌های مسئله را بررسی کرد که چرا اصولاً وضعی حاکم است که عده کمی، انبوه جمعیت را استثمار کنند، مفت بخورند و بخوابند و دیگران برای آنها کار کنند. و چگونه می‌توان بطور کامل سرمایه‌داری وابسته به سرمایه‌داران جهانی هستند، با آنها زد و بند دارند و مشترکاً خون کارگران را می‌مکند، نه تنها کارگران بلکه همه خلق ما تحت ستم آنهاست و باید همه خلق و در راس آن طبقه کارگر در وهله اول یک مبارزه ضد امپریالیستی را در جهت برانداختن سرمایه‌داری وابسته دنبال کنند. خلاصه باید کار افشاگری‌های سیاسی را دنبال کرد. این نشریه سعی دارد مسائل روز را به کارگران و همه زحمتکشان در میان بگذارد، زورگوئی سرمایه‌دار استثمارگر و مأمور حفاظت کارخانه را افشا کند. بعلاوه سعی ما بر این است که این نشریه بتواند رابطه‌ای بین کارگران سراسر کشور برقرار سازد، تا مثلاً کارگران پالایشگاه نفت در آبادان بدانند که در کارخانه ایران ناسیونال یا جنرال موتور تهران چه می‌گذرد و از تجربیات یکدیگر استفاده کنند طبیعتاً این نشریه در صورتی می‌تواند وظیفه خود را بدرستی انجام دهد و در خدمت طبقه کارگر و همه زحمتکشان قرار گیرد که خود کارگران در مسائل و موضوعات مورد بحث آن فعالانه شرکت و همکاری داشته باشند. بنابراین، از همه رفقای کارگر می‌خواهیم تا با تهیه و ارسال اخبار و گزارشها از محیط کارخانه، محل زندگی و مسائل و مشکلات خود و نیز تهیه مقالات، پیشنهادات و انتقادات، ما را در این جهت یاری کنند. اگر این همکاری در سطح وسیعی انجام گیرد آن وقت این نشریه می‌تواند وظیفه مهم خود را به درستی انجام دهد.

ما فعلاً این نشریه را هر هفته یک بار منتشر می‌کنیم و امید داریم بتوانیم در آینده‌ای بسیار نزدیک آن را به صورت یک روزنامه همه روزه در اختیار کارگران قرار دهیم.

مستحکم باد پیوند کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان

پرسش یک کارگر:

آیا کارگران باید یکبار دیگر انقلاب کنند؟

خواستهای عمده آنها به شرح زیر بود:

۱- کلیه کارگرانی که اخراج شده اند به سر کار خود باز گردند.

۲- کارگران در امر مدیریت و اداره کارخانه‌ها و کارگاهها دخالت داشته باشند.

۳- قوانین و مقررات کار سابق لغو گردد.

۴- روشن شدن وضع بیمه کارگران.

۵- لغو کار مزدی.

۶- کارفرما حق اخراج کارگران را ندارد.

۷- پرداخت کلیه حقوق در حین بیماری کارگر.

۸- مرخصی به مدت یک ماه در سال.

۹- تعیین ساعت کار به مدت چهل ساعت در هفته.

۱۰- لغو اضافه کار اجباری.

۱۱- اختصاص ساختمان‌هایی برای سندیکاها و سازمان‌های کارگری.

اما وزیر کار این بار هم مانند اجتماع کارگری چند روز پیش از دادن جواب صریح و قاطع به خواستهای برحق کارگران خوداری کرد و سعی نمود از دادن پاسخ قطعی طفره برود.

مثلا چنین گفت که دیگران کار خراب کردن کشور تمام شده و باید از نو بسازیم. کارگران باید سعی کنند تنها آن اندازه که لازم است تولید کنند و می‌توانند با پاکسازی سندیکای قدیمی دوباره از آن استفاده کنند.

در مورد کارگران اخراجی هم جواب روشنی داده نشد. اما کارگران آگاه ما به کلی گوئی آقای وزیر اعتراض کردند و از او خواستند که به طور مشخص به مسائل جواب دهد.

آنها در پاسخ به کلی گوئی آقای وزیر گفتند که نه تنها مبارزه پایان نیافته بلکه به خصوص مبارزه در جهت ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم باید به شدت ادامه یابد.

زیرا بدون قطع سلطه امپریالیسم پیروزی قطعی امکان پذیر نیست. آنها سوال کردند که آیا کارگران به ابتدائی‌ترین خواستهای خود رسیده‌اند و آیا با وعده و وعیدهایی که به ما می‌دهید تکلیف شکم گرسنه کارگر چه می‌شود؟ یکی از کارگران که در مورد خواستهای کارگران راجع به نحوه اداره و مالکیت کارخانه سخن می‌گفت در پاسخ به بیانات وزیر کار در این مورد چنین گفت آقای وزیر شما می‌گوئید که در مورد کارخانه‌ها چون از طرف رهبری هیچ دستوری داده نشده است و مردم هم در

حین انقلاب خود راسا در این باره اقدامی نکرده‌اند، کاری از دست شما ساخته نیست. آیا کارگران در حالی که سلاح بر کف در خیابان‌ها می‌جنگیدند و هیچ‌گاه سنگرهایشان را ترک نکردند، می‌بایستی اقدامی عملی در مورد کارخانه‌ها نیز انجام دهند و آیا باید یکبار دیگر انقلاب کنند و به کارخانه‌ها حمله کنند تا شما بتوانید کاری انجام دهید؟

براستی آیا دولت موقت در مورد کارخانه‌هایی که متعلق به سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بوده‌اند یعنی سرمایه‌دارانی که در صف ضد خلق مبارزه می‌کردند چه تصمیمی دارد؟ دولت باید دقیقا موضع خود را در این مورد روشن کند تا کارگران ما از آن آگاه شوند.

مسئله کارگران اخراجی نیز یکی از مسائل مهمی بود که کارگران بر آن تاکید داشتند، آنها می‌خواستند بدانند که تکلیف حدود سه میلیون کارگران اخراجی چه می‌شود و دولت در مورد آنها چه تصمیمی گرفته است.

کارگری در این مورد چنین گفت: "تقریبا ۲ الی ۳ میلیون کارگر اخراجی داریم که با خانواده‌هایشان حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون نفر می‌شوند، آنها حدود چهار ماه است که اخراج شده‌اند و با فروش وسائل زندگیشان توانسته‌اند به زندگی خود ادامه دهند. اما دیگر چیزی ندارند که بفروشند. آقای وزیر هر چه زودتر در مورد این کارگران تصمیم بگیرید."

این سخن همان کارگران اخراجی است که به خاطر مبارزه بر علیه رژیم پیشین توسط سرمایه‌دارانی که از جانب امپریالیسم و شاه خائن حمایت می‌شدند. اخراج شده‌اند و امروزه به حق خواستارند که پس از سرنگونی رژیم به سرکار خود بازگردند.

در مورد مسکن نیز که یکی از مسائلی است که تاکنون هیچ گام عملی در جهت آن برداشته نشده است، کارگران پیشنهادهای عملی دادند آنها گفتند که در تهران خانه‌ها و آپارتمان‌های زیادی است که در تملک شاه و دار و دسته اش بوده است، چرا هرچه زودتر این خانه‌ها و آپارتمان‌ها را در اختیار کارگران نمی‌گذارید که تا حدی مسئله مسکن حل شود؟

در مورد اختصاص محلی برای سندیکا و اجتماع کارگران که یکی دیگر از خواستهای کارگران بوده است، باز هم جواب صریحی داده نشد، مگر دولت نمی‌تواند از این همه جواب صریحی داده نشد، مگر دولت نمی‌تواند از این همه ساختمان‌هایی که متعلق به ساواک و رستاخیز و غیره بوده است، چند ساختمان در اختیار کارگران بگذارد که آنها هم جایی برای اجتماع و جلسات بحث مسائل صنفی داشته باشند؟

یکی دیگر از کارگران به وزیر کار گفت: "آقای وزیر کار شما صحبت از دست آوردهای سیاسی و اقتصادی انقلاب می‌کنید و می‌گویید که کارهای اقتصادی در دراز مدت انجام می‌گیرد. لطفا بفرمائید آیا شرکت کارگران در شورای موقت انقلاب هم به گذشت زمان احتیاج دارد؟ آیا مگر عزل افرادی چون مهندس سراجی که عمری خون ما را مکیده و امروز هم معاون وزارت نیرو شده است امکان پذیر نیست؟ آیا با توجه به ماهیت ضدکارگری سندیکاهای پیش می‌توان آنها را پاک کرد و یا اینکه باید این سندیکاهای واقعی بوجود آیند؟ اصلا بفرمائید کار وزارت کار چیست و وظیفه شما در قبال کارگران چه هست؟ آیا شما هم می‌خواهید مانند وزرای گذشته در خلاف جهت منافع کارگران گام بردارید؟ آنها تنها گوشه‌ای از مسائل و مشکلاتی است که کارگران ما با آن روبرو هستند و کسی به آنها جوابی نمی‌دهد."

خلق قرمان ایران

کارگران مبارز

از آنجا که بدون مشارکت و همگامی شما قادر نخواهیم بود در انتشار این نشریه آنگونه که باید موفق بوده و وظیفه اساسی خود را در این زمینه به انجام رسانیم بنابراین از شما انتظار داریم با ارسال مطالب، نظریات و انتقادات خود در غنی‌تر ساختن هرچه بیشتر این نشریه ما را یاری نمائید.

آدرس: تهران خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چریکهای فدائی خلق ایران

نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجتماع احمدآباد گفت: درک نادرست بعضی رهبران از ارتش ضد خلقی، جنبش را تهدید می‌کند.

کرد:

مبارزات درخشان ملی کردن نفت در سراسر کشور به رهبری دکتر محمد مصدق، طلسم افسانه‌ای امپراطوری بریتانیا را در اذهان ایرانیان شکست و با قطع نفوذ امپریالیسم انگلستان از ایران و استفاده از تضادهای امپریالیست‌ها و استفاده از تنفر عمومی مردم از انگلستان و مبارزات مردم در قطع نفوذ امپریالیسم انگلستان از ایران، توانست قانون ملی شدن نفت را از مجلس بگذراند و رهبری مبارزات مردم را که منجر به خلع ید از شرکت نفت انگلیس شد بدست گیرد.

اما در این دوران، رهبران حزب توده، با تبعیت کورکورانه از سیاست احزاب دیگر کشورها و طرح شعارهای انحرافی، به وحدت نیروهای خلقی آسیب رساندند. برخی از متحدان مصدق در جبهه ملی نیز در حساس‌ترین شرایط مصدق را تنها گذاشتند و در واقع به آرمان مردم خیانت کردند چه رهبران حزب توده و چه سازشکارانی که در رهبری جبهه ملی نفوذ کرده بودند. پس از سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق با فرار و تسلیم‌طلبی خود راه را برای شکست جنبش و تثبیت رژیم کودتا هموار کردند.

نماینده سازمان همچنین در مورد اشتباهات دکتر مصدق افزود... «دکتر مصدق متأسفانه به مفهوم مبارزه طبقاتی عقیده نداشت این دیدگاه در برخوردش نسبت به مسائل حاد جامعه اثر می‌گذاشت و از جمله برخوردی که او با ارتش طبقاتی کرد نمایانگر همین دیدگاه بود. او تصور می‌کرد که اگر ارتش ضد خلقی را تصاحب کند می‌تواند آن را در جهت هدف‌های ملی به کار گیرد. اما دیدیم که حتی در اختیار گرفتن ارتش هم مساله‌ای را حل نکرد و ارتشی که کلاً در خدمت امپریالیسم بود با تصفیه چندین نفر از امرای ارتش

برای بزرگداشت خاطره دکتر محمد مصدق رهبر صدیق و میهن پرست ایران روز دوشنبه ۱۴ اسفند در سالروز درگذشت او رودی بزرگ از دریای بیکران خلق ما کوره راه‌های احمدآباد را پشت سر گذاشت تا در کنار رزمندگان سازمان‌های انقلابی خاطره دکتر مصدق را زنده کند.

در این مراسم ابتدار آیت الله طالقانی در مورد ضرورت وحدت اظهار داشت: حالا رسیده ایم به یک سر فصل تاریخی، یکی از خصایص بزرگ استبداد همان تفرقه افکنی است. تضاد ایجاد کردن؛ فارس، عرب، ترک، سنی و شیعه ساختن، کار استبداد است. تا مردم به نظر وحشت و بدبینی بهم نگاه کنند. ما همه جزو یک خانواده هستیم باید با هم بسازیم و اختلافاتمان در حد اختلاف یک خانواده باشد. بدانید که همه با هم برادریم.

سپس مسعود رجوی از سازمان مجاهدین خلق مختصری از مواضع این سازمان را چنین تشریح کرد:

رژیم شاه طبیعتاً عمد داشت که ما را خرابکار قلمداد کند. ولی جنگ ما نهایتاً بخاطر صلح و سازندگی است. هدف ما از مبارزه نهایتاً استقرار هماهنگی و وحدت هر چه بیشتر در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است... آیا ما گفته‌ایم که یکبار سرمایه‌داری ملی باید از بین برود؟ آیا ما گفته‌ایم که باید فعالیت‌های احزاب ما جلوی گرفته شود؟... ما در خطوط ضد امپریالیستی با دولت همکاری و حتی تابعیت خواهیم داشت اگر ما برای کسانی بد هستیم این امپریالیست‌ها هستند.

پس از آن نماینده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن تجلیل از دکتر محمد مصدق مواضع انقلابی او را تشریح کرد که ما قسمتی از این سخنان را در اینجا بازگو خواهیم

"اصلاح" نشد و دیدیم که چگونه همین ارتش تمام دستاوردهای مردم را نقش بر آب کرد. متأسفانه همین برداشت نادرست در بعضی از رهبران جنبش و در دولت موقت کنونی به خوبی دیده می‌شود و تذکرات و رهنمودهای سازمان‌ها و جریان‌های انقلابی از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق درباره بازسازی و ایجاد ارتش خلق نادیده گرفته می‌شود. و پافشاری این نیرها را روی این اصل اساسی، کوشش برای "بی دفاع گذاردن مردم در مقابل هجوم بیگانگان" تلقی می‌کنند. و یا بعضی‌ها مغرضانه شایع می‌کنند که گویا سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می‌خواهد ارتش را بکلی از بین ببرد و یا مخالف به وجود آمدن قوای انتظامی است. و یا این که می‌خواهد با از بین بردن ارتش، درجه داران و افسران را پراکنده کند و آنان را بی‌خانمان سازد. همه این‌ها شایعات مغرضانه است که بر علیه منافع خلق و کلیه سازمان‌های انقلابی و نیروهای مترقی پراکنده می‌شود، ما معتقدیم هیچ‌یک از آحاد و افراد خلق نباید بیکار باشد.

ما معتقد به ایجاد ارتش خلق برای پاسداری از انقلاب هستیم. تا عوامل رژیم خائن سابق و امپریالیسم نتوانند دوباره مسلط شوند تا فاجعه کودتای ۲۸ مرداد بار دیگر تکرار نگردد. ما معتقدیم که ارتش خلقی باید با شرکت کارگران، دهقانان، سربازان، درجه‌داران، همافران و افسران جزء و میهن پرست و همه نیروهایی که در انقلاب شرکت کرده و صداقت و وطن‌پرستی خود را به مردم و به انقلاب مردم نشان داده‌اند تشکیل شود. ما معتقدیم که فرماندهی این ارتش باید از دل شوراهای سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء بیرون آید...»

نماینده سازمان سپس به تجربیات پر ارزش مصدق در سال‌های

آخر زندگی اشاره کرد مبنی بر این که «دکتر مصدق در اواخر زندگی اعمال قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی دشمنان خلق برای پیروزی بر امپریالیسم و عوامل داخلی آن ضروری دانست و آن را به مردم ایران توصیه کرد. او هم چنین بر روی این نکته تأکید کرد و اعلام داشت که بر همه نیروهای مستقل خلق که در راه آزادی و استقلال ایران مبارزه می‌کنند لازم است که صرفنظر از اعتقادات مذهبی، مرامی و مسلکی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع متحداً مبارزه کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق از این آرمان مصدق پشتیبانی می‌کند و معتقد است حال که رژیم سابق سرنگون شده حاکمیت خلق وجود نخواهد داشت مگر آن که نهادهای دموکراتیک یعنی شوراهای کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان، پیشه‌وران، درجه داران، سربازان و همافران و افسران جزء و وسائل ارتباط جمعی به صورت دموکراتیک اداره شود. سازمان چریکهای فدایی خلق لغو کلیه بدهی‌ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کارمندان را به بانکها و سایر موسسات دولتی خواستار است.

ما خواستار اخراج همه مستشاران نظامی خارجی و لغو کلیه قراردادهای به ویژه قرارداد نفت با کنسرسیوم بین‌المللی و مصادره کلیه اموال خاندان پهلوی و غارتگران و سرمایه‌داران وابسته به رژیم سابق هستیم.

ما خواستاریم که ساعت کار کارگران بر طبق قوانین بین‌المللی کار به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یابد.

ما تأمین آزادی‌های دموکراتیک را برای تمام زنان و مردان ایرانی و به رسمیت شناختن آزادی‌های فرهنگی و قومی و حقوق ملی همه خلق‌های ایران را خواستاریم...»

سرلشکر قره‌نی کیست و چه ماموریتی دارد؟

داشته است و گزارش‌هایی از وضع ارتش شاهنشاهی و قدرت سرکوب آن به مقامات سیا تسلیم می‌کند و متقابلاً دستورات لازم را دریافت می‌دارد.

تیمسار قره‌نی که در سال‌های حساس و سرکوبگر ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ ریاست رکن دوم ستاد ارتش را به عهده داشته عملاً اموری را که بعدها به ساواک واگذار شد اداره می‌کرده است. وی در بوجود آوردن ساواک نیز همراه با تیمور بختیار و نصیری و آزموده مشارکت مستقیم داشته است. سرهنگ زیبایی و سرهنگ سیاحتگر (شکنجه‌گران معروف ساواک) از شاگردان او بوده‌اند.

سرتیپ قره‌نی در مدت نسبتاً کوتاهی ترفیع می‌گیرد و به درجه سرلشکری می‌رسد. در آبان ۱۳۳۶ سرلشکر قره‌نی به مقام معاونت کل ستاد ارتش شاهنشاهی می‌رسد. وی در اواخر سال ۳۶ به اتهام شرکت در طرح یک کودتای آمریکائی بازداشت می‌شود. این طرح از جانب گروهی از عوامل سیا عنوان شده بود. سرلشکر قره‌نی عامل اجرای این توطئه به اتهام "سوء استفاده از اختیارات" بازداشت می‌شود خبر دستگیری سرلشکر قره‌نی به وسیله خبرگزاری‌های مهم جهان مخابره می‌شود و همه آنها "ارتباط او را

کشتار وحشیانه مردم، موج انقلاب ملی را در رشت سرکوب می‌کند و به پاس این خدمت صادقانه به شاه و آمریکا، به درجه سرتیپی می‌رسد. پس از سرکوب نهضت ملی و کشتار و دستگیری مبارزان و تسلط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) بر ارتش ایران "مهره‌های وفادار" انتخاب می‌شوند و به خدمت امپریالیسم آمریکا و نوکران گوش به فرمان آنها در می‌آیند. تیمسار قره‌نی که در طول سوابق خدمت خود نشان داده بود می‌تواند خدمتگزار مورد اعتمادی باشد همراه جنایتکارانی چون سرلشکر بختیار و سرلشکر آزموده به بازسازی و تقویت ارتش شاهنشاهی و دستگیری و اعدام مبارزان راه آزادی همت می‌گمارد.

تیمسار سرتیپ قره‌نی مدتی بعد به ریاست رکن دوم ستاد ارتش (یکی از حساس‌ترین پست‌های سازمانی ارتش و مرکز جاسوسی و خبرچینی) منصوب می‌شود. به دلیل خدمات ارزنده‌اش به شاه‌نشان‌ها و مدال‌های متعددی می‌گیرد و در نوروز سال ۱۳۳۴ به دریافت یک قطعه نشان همایون از دست مبارک شاهنشاه مفتخر می‌شود. سرتیپ قره‌نی در سال ۱۳۳۴ که

اشاره:

از آنجا که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران منافع طبقه کارگر را جدا از منافع سایر طبقات و اقشار خلق نمی‌داند و از آنجا که ایمان راسخ دارد، رهائی طبقه کارگر ایران و دستیابی به خواست‌های دموکراتیکش جز با شناخت و آگاهی یافتن به مسائل اقتصادی و سیاسی جامعه امکان‌پذیر نیست. بنابراین کوشش خواهیم کرد، از این پس ضمن طرح مسائل سیاسی و استفاده از تجربیات مبارزاتی رفقای کارگر با صراحت تمام به افشای گری بخشی از سیاست‌های دولت که چه آگاهانه و چه ناآگاهانه منافع خلق ایران را به خطر می‌اندازد، بپردازیم تا رفقای کارگر به مسائل جاری کشور بیشتر آگاه گشته با درایت و هوشیاری کامل به پاسداری از دست آوردهای انقلاب بکوشند. بنابراین لازم دیدیم نمونه‌هایی از انتصابات نابجا و پرمخاطره‌ای را که در راس همه آنها قرار دادن سرلشکر قره‌نی یک همکار کهنه کار امپریالیسم به ریاست ستاد ارتش ملی اسلامی است، برای خلق ایران روشن سازیم. هر چند که نمونه‌های زیادی از این نوع انتصابات غیرمردمی را خود کارگران به خصوص در بخش‌های حفاظت کارخانه‌ها شاهد می‌باشند.

اطلاعات تازه‌ای در مورد سرلشکر قره‌نی

در مورد تیمسار سرلشکر قره‌نی رئیس ستاد ارتش ملی اسلامی تاکنون حرف‌های زیادی گفته شده و اسناد گوناگونی منتشر گردیده است. سابقه این سرلشکر ارتش مزدور شاهنشاهی که در سیاه‌ترین سال‌های اختناق به "درجه امیری" رسیده و حساس‌ترین پست‌های ارتش مزدور را اشغال کرده و همچنین اقدامات او پس از پیروزی قیام خونین مردم و از بین رفتن رژیم شاهنشاهی نشان می‌دهد که پیوندی میان آن گذشته‌نگین و این اقدامات اخیر وجود دارد. برای آگاهی خوانندگان مختصری از سوابق تیمسار سرلشکر محمد ولی قره‌نی را بر اساس اسنادی که به دست آمده افشا می‌کنیم:

سرهنگ محمد ولی قره‌نی در سال ۱۳۳۲ معاون تیپ رشت بود. وی صبح روز ۲۸ مرداد پس از دستگیری فرمانده تیپ "سرتیپ فرخنده‌بی" با به خون کشیدن و

در دادگاه بدوی

سرلشکر قره‌نی را به دو سال زندان و

اخراج ابد از ارتش، محکوم شد

دادگاه از ساعت ۹ صبح تا یک بعدازظهر در حالت شور بود

سرلشکر قره‌نی از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو کرد

این سند پس از بیست سال یک بار دیگر منتشر می‌شود. در خرداد ۱۳۳۷ سرلشکر قره‌نی که به اتهام کودتای آمریکائی در دادگاه محاکمه می‌شد از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو کرد. گزارش این دادگاه در مطبوعات آن زمان بطور مشروح منعکس شد. متن بالا عنوان یکی از روزنامه‌ها است که برای آگاهی خلق ایران عیناً چاپ می‌شود.

با یک کشور خارجی (آمریکا) تأیید می‌کنند."

سرلشکر قره‌نی در اردیبهشت ۱۳۳۷ محاکمه می‌شود و در دادگاه اول به دو سال و در دادگاه دوم (برای خالی نبودن عریضه) به سه سال زندان محکوم می‌شود. این مدت محکومیت برای سرلشکری در نظر گرفته می‌شود که از تمام اسرار ارتش شاهنشاه و حکومت را نیز در سر داشته است. اما حمایت اربابان خارجی موجب می‌شود که مجازات اعدام

افسران مترقی و مبارز ارتش دستگیر و تیرباران می‌شوند رئیس رکن دوم ارتش بوده و در آن جنایات دخالت مستقیم داشته است. وی در تیرماه سال ۳۴ به مدت دو ماه و نیم برای تبادل نظر با اربابان و دادن گزارش‌های لازم به اروپا و آمریکا سفر می‌کند. در این مسافرت‌ها تعلیمات لازم و شیوه‌های جدید سرکوب جنبش رهائی‌بخش خلق به وی و همراهانش آموخته می‌شود. مطابق اسنادی که به دست آمده سرتیپ قره‌نی در این مدت ملاقات‌های محرمانه و بسیار مهمی با روسای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)

سرلشکر قره‌نی

به سه سال محکومیت تبدیل شود. لازم به یادآوری است که دادستان دادگاه سرلشکر قره‌نی، سرلشکر حسین آزموه بوده که احکام اعدام صدها تن از افسران میهن پرست را به اتهام داشتن افکار مترقی یا حتی مطالعه چند کتاب صادر کرده بود. پاسخ این سوال که چگونه افسرانی را که اتهامشان قابل مقایسه با اتهام سرلشکر قره‌نی نبوده به اعدام محکوم کرده‌اند ولی سرلشکر قره‌نی کودتاچی را به سه سال زندان، می‌تواند "کلید معمای" کودتا و وابستگی کودتاچی به بیگانه باشد.

سرلشکر قره‌نی در دادگاه از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو می‌کند و تقاضای عفو چند بار هم از داخل زندان تکرار می‌شود تا اینکه پس از مدتی کوتاه (که از قبل تعیین شده بود) از زندان آزاد می‌شود. سرلشکر قره‌نی که در نخستین مأموریت خود با شکست روبرو شده بود به عنوان یک "مهره غیرقابل استفاده" کنار گذاشته می‌شود تا بار دیگر "تعزیه‌گردان" بازی تازه‌ای شود. اینکه در بیست سال گذشته نحوه ارتباط سرلشکر قره‌نی با عوامل آمریکائی و سازمان سیا بر چه اساسی بوده فعلا بر ما پوشیده است. اگر در زمینه اطلاعات مستند و قابل اعتمادی بدست آید، با ذکر دلیل و تاریخ افشا می‌کنیم. آنچه مسلم است (خواه این ارتباط برقرار باشد یا نباشد) انتصاب وی در

چنین موقعیت حساسی از زمان و در چنان مسندی می‌تواند به سود امپریالیسم و وابستگان آن باشد. مروری کوتاه بر گذشته سیاه این افسران ارتش شاهنشاهی و نقش او در سر و سامان دادن به ارتش متلاشی شده شاهنشاهی در چند هفته اخیر نشان می‌دهد که اقدامات او و همدستانش "حساب شده" و در جهت سرکوب انقلاب خلق قهرمان ایران است. اتصایات، تصمیمات، بیانیته‌ها و سخنرانی‌های او نشان می‌دهد که دقیقاً می‌داند چه می‌کند و ایران را به چه راهی می‌برد.

در اینجا قسمتی از سخنان اخیر سرلشکر قره‌نی رئیس ستاد کل ارتش ملی اسلامی را عنوان می‌کنیم و هرگونه قضاوت و مطالعه‌ای را برای شناخت کامل‌تر او به خواننده واگذار می‌نماییم.

"سرلشکر محمد ولی قره‌نی رئیس ستاد کل ارتش ملی اسلامی امروز دستور داد حقوق ارتشی‌ها پرداخت شود." وی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: "اگر ارتش را ضعیف کنید استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران به خطر می‌افتد.... اگر دولت بختیار سه روز قبل از انحلال ارتش کنار رفته بود، این همه سلاح به دست مردم نمی‌افتاد و ارتش اینگونه از هم نمی‌پاشید...."

سرلشکر قره‌نی گفت: "بازنشستگی‌هایی که تاکنون انجام گرفته است برای تنبیه و یا تطهیر افراد نبوده است بلکه این یک کار عادی در ارتش است.... در گذشته افرادی در ارتش بودند که مرتکب

تخلفاتی شده‌اند که آنها مشمول تصفیه شده‌اند.... ارتش ما سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد که در آن تبعیض‌هایی در مورد حقوق و مزایا و ترفیع وجود داشته که باید به تدریج از بین برود...."

روزنامه اطلاعات ۱/۱۲/۵۷ آری، جنایات امرای ارتش را تخلف خواندن و آنها را با حقوق‌های کلان بازنشسته کردن و از آنها عذرخواستن که این بازنشستگی‌ها به منظور "تنبیه نبوده بلکه کاری عادی در ارتش است." غصه خوردن برای از هم پاشیده شدن ارتش شاهنشاهی، پرداخت حقوق ارتشی‌ها از جنایتکار و مزدور گرفته تا افراد بی‌گناه و سابقه ۲۵۰۰ سال جنایات رژیم شاهنشاهی و مدافع آن ارتش ضدخلقی را با تبعیض در مورد "حقوق و مزایا و ترفیع" بیان کردن، تنها از عهده کسی برمی‌آید که "سوابق آنچنانی" داشته باشد. خلق ایران سرلشکر قره‌نی و سرلشکر قره‌نی‌ها را به خاطر سوابق سیاه و اعمال ضد انقلابی اخیرشان محکوم می‌کنند و خواهان برکناری آنهاست.

این فریاد سرخ شهیدان است که "ما خون نداده‌ایم تا قره باغی‌ها بروند و قره‌نی‌ها بازگردند."

این شعار همه آزادگان و همه میهن‌پرستان است که:

ارتش ضد خلقی، نابود باید گردد

ارتش خلق ایران، ایجاد باید گردد

سانسور مطبوعات محکوم است

خونین و این همه شهدائی که در راه استقلال و آزادی داده ایم هنوز باید روزنامه‌ها سانسور شوند؟ ما معتقدیم کارگران زحمتکش که در مبارزه خونین خود بر ضد دیکتاتوری برای ایرانی آزاد و دموکراتیک جنگیده‌اند، وقت آنست که از حقوق حقه برخوردار باشند. جلوگیری از انعکاس خواسته‌های کارگران، طبقه‌ای که بار اصلی مبارزه را به دوش کشیده است هشدار است به طبقه کارگر، هشدار است که مبین این واقعیت است که سلطه ارتجاع و امپریالیسم هنوز پایان نیافته و مبارزه هنوز ادامه دارد.

واقعی بیاد تشکیل شوند و بر امر تولید و توزیع نظارت داشته باشند.

خبر فوق در چاپ دوم کیهان همان روز سانسور شد.

چرا نباید خبر مربوط به کارگران در روزنامه درج گردد؟ چه عواملی دست اندرکار جلوگیری از رسیدن صدای کارگران به دیگر زحمتکشان است و این عوامل در خدمت چه کسانی هستند؟ چه عواملی دست اندر کار جلوگیری از رسیدن صدای کارگران به دیگر زحمتکشان است و این عوامل در خدمت چه کسانی هستند؟ آیا پس از این همه مبارزات

در چاپ نخست کیهان چهارشنبه ۹/۱۲ خبری تحت عنوان "دولت نباید حامی کارفرما باشد" درج شده بود. این خبر درباره اجتماع کارگران در خانه کارگر و بیان خواسته‌های کارگران بود، خلاصه خبر چنین بود: هیچ کارگری نباید اخراج شود. کارگران اخراجی باید به سرکار باز گردند، حمایت دولت از کارفرما را محکوم می‌کنیم. حمایت دولت از کارفرمایان سبب شده است که موقع مراجعه کارگر برای گرفتن حقوق حقه‌اش با جواب سربالا مواجه شود. شوراهای کارگری و سندیکاهای

ضدانقلاب را افشاء کنیم

صاحبان اصلی کارخانه‌ها چه کسانی هستند؟

دشمنان طبقه کارگر در بنز خاور

در کارخانه بنز خاور هنوز دشمنان طبقه کارگر مشغول کار هستند، نام چند تن از آنها را اعلام می‌کنیم:

مهندس زاکاریان - سرهنگ بازنشسته مهدی گلسرخی - مهدی شیرزادگان (رئیس کارگزینی) - علی عبادی (سرپرست تاسیسات) - مهندس آوانسیان و مهندس پرهیزکاری، این افراد سال‌ها حقوق کارگران را پایمال کرده‌اند. چرا هنوز باید سرکار باشند؟ باید اموال آنها مصادره شود. ضمناً خرسندی مدیرکل وزارت کار با همدستی سرمایه‌داران کارخانه بنز خاور سال گذشته ۹۷ کارگر این کارخانه را اخراج کرد. آنها باید به کارخانه بازگردند.

کارگر اخراجی بنز خاور

پیوند نامقدس خیامی‌ها با دربار و اردشیر زاهدی

نیمی از سهام شرکت ایران ناسیونال متعلق به دربار و اردشیر زاهدی است. برادران خیامی که از نوکران و مباشران سرسپرده دربار بودند با گرفتن وام‌ها و اعتبارات زیاد از بانک‌ها و همچنین استفاده از امکانات آستان قدس رضوی توانستند تاسیسات ایران ناسیونال را به وجود آورند. یک قلم از این چپاول‌ها دریافت ۱۵۰ هکتار اراضی موقوفی آستان قدس رضوی به بهای ناچیز متری سه ریال بود. سرمایه اولیه کارخانجات ایران ناسیونال متعلق به مردم و تکامل تجهیزات و گسترش کارخانجات آن متعلق به زحمتکشان ایران ناسیونال است.

بنیاد پهلوی و چپاول صنایع قندسازی

بنیاد پهلوی که سهامدار و مالک بسیاری از کارخانجات و صنایع بزرگ کشور است اکثریت سهام کارخانجات قندسازی را در دست دارد. تعدادی از آنها عبارتند از: شرکت تولیدی قند کرج - قند پارس - قند مروشدست - شرکت تولیدی کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز - قند دزفول - قند شاه آباد - قند فسا - قند کرمانشاه - قند لرستان و کارگران و زحمتکشان صنایع قند سازی که از پنجاه

بقیه از صفحه ۱۱

خبرها و گزارش‌های روستائی

اقدامات عملی زدند. این خواستها عبارتست از: "بازپس گرفتن زمین‌های غصب شده - ایجاد اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک - جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی خارجی جهت حمایت از کشاورزی بومی - تشکیل شوراهای روستای و صیادی - حمایت از صیادان و قالی‌باغان زحمتکش منطقه و مصادره زمین‌ها و اموال عمال رژیم سابق در گنبد."

بخشی از خواستهای روستائیان شمال ایران

۱- لغو کلیه دیون کشاورزان به بانک‌ها و دادن وام‌های کشاورزی بدون بهره با اقساط طویل‌مدت جهت تولید هرچه بیشتر محصولات کشاورزی.

۲- سپردن امور روستا به روستائیان از طریق شوراهای و سندیکاهای کشاورزی.

۳- تضمین خرید محصولات کشاورزی از کشاورزان با بازپرداخت ضرر ناشی از تولیدات کشاورزی.

۴- در اختیار گذاشتن وسائل و ماشین آلات کشاورزی با توجه به قیمت تمام شده آن و ایجاد تعمیرگاه در محل.

۵- در اختیار گذاشتن زمین‌های مزروعی کافی در دسترس کشاورزان بنحوی که فقط کشاورزانی که روی زمین کار می‌کنند صاحب آن شناخته شوند.

۶- ایجاد فروشگاه‌های تعاونی کشاورزی که می‌تواند آنها را با توجه به قیمت تمام شده در اختیار آنان قرار دهد.

۷- رساندن برق به روستا و ایجاد راه‌های ارتباطی شهر و روستا، ایجاد صندوق پستی روستا، تامین آب آشامیدنی سالم در روستاها، ایجاد درمانگاه در روستا و تامین خدمات کامل بهداشتی.

۸- در اختیار گذاشتن بموقع کودهای شیمیایی با قیمت تمام شده و دفع آفات کشاورزی توسط دولت.

۹- ایجاد کارخانه‌های فصلی تولیدات صنعتی که کشاورزان بتوانند در فصول بیکاری در آن اشتغال به کار نموده و از بلا تکلیفی و لاقیدی رها گردند.

سال پیش با دست‌های پرتوان خود چرخ این کارخانجات را به حرکت درآورده‌اند و از باسابقه‌ترین و محروم‌ترین کارگران ایران هستند خواهان مشارکت در منافع ایران کارخانجات هستند.

اعلام همبستگی ابوالقاسم لاجوردی برای ادامه چپاولگری

سناتور ابوالقاسم لاجوردی مالک و سهامدار اصلی گروه صنعتی بهشهر که بیش از ۲۶ کارخانه و شرکت بزرگ صنعتی و ده‌ها بخش تولیدی و بازرگانی دیگر را صاحب است چندی پیش با انقلاب ایران اعلام همبستگی کرد. وی که درس خود را خوب "بلد" است می‌خواهد با این عمل باز هم مانند گذشته خون کارگران را بمکد. وی سال‌ها نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و چند دوره نماینده مجلس و سناتور بود. در شهریور سال ۵۰ وی به دست بوس علیاحضرت شهبانوی نیکوکار! رفت و گردن‌بند و گوشواره اهدایی علیاحضرت را که در هتل هیلتون به حراج گذاشته بود به مبلغ دو میلیون تومان خریداری کرد.

ابوالقاسم لاجوردی از عوامل سرمایه‌داران آمریکائی و از وابستگان نزدیک دربار است و اعلام همبستگی او با انقلاب تنها برای فرار از مجازات است.

کارگران گروه صنعتی بهشهر

ترفع افراد ضدانقلابی

مهندس سراجی که کارگران کارخانه نیرو را در مدت اعتصاب تهدید به اخراج می‌کرد و با ضدانقلاب همدست بود اخیراً به معاونت نیرو و همدست او "قائمی" به مدیریت کل وزارت نیرو استان خراسان منصوب شده‌اند. با این انتصابات آیا می‌توان به موفقیت انقلاب دل خوش بود؟

گروهی از کارگران

در اجتماع وزارت کار:

کارگران خواستار شرکت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شدند

کارگران در اجتماعات وزارت کار گفتند: کمیته امام نباید مانع از ارتباط کارگر و دانشجو شوند.

شکم گرسنه کارگر را فقط نان جواب می‌دهد.

در اجتماعات مختلف وزارت کار، کارگران حرفهای بسیاری زدند که ما قسمت‌هایی از آنرا عینا نقل می‌کنیم:

آیا باید یکبار دیگر انقلاب کنیم؟

آقای داریوش فروهر، شما در سخنرانی خود گفتید: "در مورد دخالت کارگران در اداره کارخانه‌ها چون از طرف رهبری هیچ دستوری داده نشده و مردم هم این عمل را در موقع انقلاب انجام نداده‌اند من نمی‌توانم هیچگونه کاری بکنم."

اول اینکه: شما باید بدانید همان انتقال قدرت که به شما داده شده یعنی اینکه می‌توانید در این مورد تصمیم بگیرید و دیگر لازم نیست در اینگونه کارها که خواست همه کارگران است از مقامات بالا دستور بگیرید. دوم اینکه: کارگران هنگامی که مشغول انقلاب بودند نمی‌توانستند سنگرهایشان را ترک کنند و کارخانه‌ها را به اشغال دریاورند. چون ما مطمئن بودیم که بعد از پیروزی این کارها انجام می‌شود. شما با این حرف خود به ما می‌گوئید که یکبار دیگر انقلاب کنیم تا بتوانیم کارخانه‌ها را به دست آوریم و شما بتوانید کار خود را انجام دهید. البته در آن موقع دیگر به وجود شما احتیاجی نداریم.... کارگر ایران ناسیونال

چرا روشن‌تر حرف نمی‌زنید؟

شما در جواب خواست‌های ما می‌گوئید: "فشار می‌آوریم یا به کمیسیون‌ها تذکر می‌دهم." سوال من این است که مگر با "فشار آوردن" و "تذکر دادن" به کمیسیون‌ها می‌توان حق کارگر را برگرداند؟

چرا مشخص‌تر و روشن‌تر حرف نمی‌زنید. شما با حرفهایتان ما را به یاد وزرای قدیمی شاه می‌اندازید در حالیکه ادعا می‌کنید مدافع کارگران هستید.

کارگر ایران ابزار

به من بگوئید وظیفه وزارت کار چیست؟

من که ۱۵ سال است کارگرم هنوز نمی‌دانم وظیفه وزارت کار و نقش وزیر آن چیست؟ آیا وظیفه این وزارتخانه دادن جوابهای "بی سرو ته" به کارگران و نقش وزیر آن

وزیر کار می‌گوید مانعی برای ارتباط کارگر و دانشجو در خارج کارخانه نیست. سوال من این است که اگر مانعی برای این کار نیست چرا کمیته‌های امام دانشجویان و کارگران را بخاطر ارتباط گرفتن با هم دستگیر می‌کنند. آیا کارهای ساواک باز باید تکرار شود؟

کارگر شرکت ره ساز

نمی‌دانم چرا وزیر کار این حرف را زد.

من به حرف وزیر کار که می‌گوید کار وزارتخانه مهمتر از کار کارگران است اعتراض دارم. البته من فکر می‌کنم آقای داریوش فروهر تاکنون به کارگران احترام گذاشته و برخلاف وزیران رژیم سابق در جلسات آنها با صمیمیت شرکت کرده است. نمی‌دانم چرا این حرف را زده است.

کارگر مونتاز

کارگران باید در شورای انقلاب شرکت کنند.

وزیرکار در سخنرانی‌اش گفت "هر انقلاب دو نتیجه دارد یکی اقتصادی و دیگری سیاسی. کارهای اقتصادی در دراز مدت عملی می‌شود ولی کارهای سیاسی به سرعت انجام می‌شود." حرف من این است که چرا کارگران را در فعالیت‌های سیاسی دخالت نمی‌دهید و نمایندگان آنها را در شورای موقت انقلاب و دیگر قسمت‌های سیاسی که سرنوشت مملکت را تعیین می‌کنند راه نمی‌دهند؟ آیا باز هم جریانات گذشته می‌خواهد تکرار شود؟

کارگر کشفاف

ریاست کردن و نشستن در کاخ ده طبقه وزارت کار است؟

خانم مریم - س کارگر داروپخش

خراب کردن ادامه دارد.

آقای وزیر کار در سخنان خود گفت: "خراب کردن تمام شده و ما باید بسازیم." بنظر من تازه اول خراب کردن است. البته خراب کردن چیزهای امپریالیستی و ضدانسانی و ضدکارگری که باید همچنان ادامه داشته باشد.

محمد - ر

تکلیف شکم گرسنه کارگر چیست؟

از آقای وزیر کار و با مقامات بالاتر سه سوال دارم: یکی اینکه هر حرفی که آدم می‌زند می‌گویند دولت موقت است، بعدا درست می‌شود. آقای فروهر هم که می‌گوید تا مجلس موسسان درست نشود نمی‌توان کاری کرد. تا آن موقع تکلیف شکم گرسنه من چه می‌شود؟ دوم اینکه: آقای وزیر کار مسئولیت تمام کارها را به عهده رهبری انقلاب می‌گذارد، پس لطفا بگویند مسئولیت خودشان چیست؟ ایشان می‌گویند به کارفرماها گفته‌اند کارگران را به سر کارها بگذارند، ضامن اجرای این دستور چیست؟ (پاسخ سوال سوم را خودم می‌دهم. دستورات این دولت موقتی است. اجرای آن با دولتهای بعدی است.)

کارگر بیکار

ساختمانهای ساواک و حزب رستاخیز را به کارگران بدهید.

در مورد واگذاری محل برای سندیکا و سالن کارگری شما گفتید "کارگران می‌توانند از محل‌هایی که قبلا مربوط به کارگران بوده استفاده کنند." مگر شما نمی‌دانید در رژیم گذشته سازمانها و ساختمانهای کارگری در حداقل بود و ساختمانهای ساواک و حزب رستاخیز و ... در حداکثر. چرا آنها را در اختیار ما نمی‌گذارید؟ آیا می‌خواهید آنها را دوباره تجدید سازمان بدهید؟

علی - ش

کارخانه، خانه دانشجویان است.

وزیر کار می‌گوید دانشجویان و مبارزین نباید به کارخانه‌ها بروند. من که یک کارگر هستم برخلاف این نظر می‌دهم و می‌گویم کارخانه‌ها، خانه دانشجویان است و دانشگاهها نیز خانه کارگران.

خون ما پیرهن کارگران
خون ما پیرهن دهقانان
خون ما پیرهن سربازان
خون ما پرچم خاک ماست...
(از وصیت نامه گلسرخی)

کارگر

ز کار کارگر، گیتی چو مینوست
جهان آسوده، تا او در تکاپوست
بجز زنجیر خود چیزی ندارد
وگر خیزد بپا، دنیائی از اوست

کارگران خود سخن می‌گویند:

آپلویی که به ماه می‌رود. همه اینها بدست کارگر ساخته شده. کارگر باید بداند که اصلا این زبانی که ما تکلم می‌کنیم، کار بوجود آورده اگر کار نبود زبان وجود نداشت. اصلا فرهنگ وجود نداشت اصلا هیچ چیزی وجود نداشت. رفیق تو باید بدانی این تویی که دنیا را با کار خودت ساخته‌ای. این ارتجاع است که تو را ضعیف می‌داند. تو باید خودت را بشناسی، به اهمیت کار خودت پی ببری. چرا می‌گذاری به تو زور بگویند؟ هر کسی را بعنوان نماینده تو جا بزند. ما کارگران موقعی می‌توانیم سندیکا تشکیل بدهیم که بدانیم اصلا دنیا مال کارگر است. کارگرهای همه دنیا هموطن هستند. یک کارگر جوشکار ایرانی درد یک کارگر بلغار را می‌داند. وقتی درباره چشمش حرف می‌زند، کارگر ایرانی می‌فهمد که آن رفیق کارگر چی کشیده، چون چشم خودش را برق زده. ما باید بدانیم که همه چیز از کار کارگرهای همه دنیاست. مثلا دیدید که وقتی کارگرهای نفت ده روز شیر نفت را بستند چطور پدر سرمایه‌دارها درآمد، چطور مجبور شدند جبرمخواران خود را فراری بدهند....."

بقیه در شماره آینده



درود ما بر:

رفیق شهید اسکندر صادقی نژاد دبیر سندیکای فلزکار مکانیک و عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در حقیقت سمبل درخشانی بود از اراده آهنین و عزم راسخ طبقه کارگر که تا پای جان در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه کرد و در سال ۱۳۵۰ در مبارزه با مزدوران رژیم منفور پهلوی به شهادت رسید.

در مرحله کنونی جنبش، طبقه کارگر و زحمتکش کشور ما با بیداری و آگاهی خواستار آنست که قدمهای محکمی در جهت اتحاد و تشکل خود بردارد تا بتواند حقوق پایمال شده خود را بازستاند و در مراحل بعدی به هدفهای عالی‌تر طبقه خود که شرکت در قدرت سیاسی است دست یابد. برای آنکه طبقه کارگر کشور ما بتواند در اولین قدمهایش پایه‌های محکم اتحاد و تشکل خود را پی ریزی کند، لازمست که بتواند علل عدم تشکل خود را در گذشته و حال به درستی ارزیابی نماید. از اینرو که کارگران پیشرو و آگاه ما تا بحال گفتگوها، سخنرانیها و بحثهایی در این باره انجام داده‌اند، قطعات زیر را از میان گفته‌های آنها جمع آوری کرده‌ایم و در اختیار رفقای کارگر می‌گذاریم، تا با نظرات و پیشنهادهای دیگر رفقای کارگر بتوانیم این بحث را کاملتر کنیم.

۱- علل عدم تشکل ما چیست؟

ضعف آگاهی

"یکی از عواملی که باعث شده ما متشکل نباشیم، عدم آگاهی کارگر است. ما کارگران به علت وضع اجتماع و فقر و شرایط کارمان حتی نتوانسته‌ایم سواد یاد بگیریم، تا چه رسد به مسائل دیگر. دائما کار می‌کنیم و وقتی هم به خانه می‌رویم فرصت یادگرفتن نداریم. کارگر نمی‌داند کجای جامعه ایستاده، چه کاری بدستش انجام می‌شود، چه حقوقی دارد و مشکل او هم همین است..... من اگر بدانم که نصف پولم توی جیب این سرمایه‌دار است که فراموش کرده‌ام، می‌گویم بده. اگر نداد یقه اش را می‌گیرم. خیلی ساده است. کارگری که در تمام مدت که من با او کار کردم، همیشه به کارفرما تعظیم و تکریم می‌کرد، حالا توی این شور انقلابی، وقتی که ما متحصن شدیم و دفتر مرکزی را اشغال کردیم و کارفرما را گروگان گرفتیم آقای تیمسار زالتاش آمد و تفنگش را گذاشت روی سینه این کارگر و همین کارگر گفت: "بزن! چکار می‌توانی بکنی؟ نفر بعدی یقه‌ات را می‌گیرد." جلو تیمسار زالتاش کراوات کارفرما را گرفت پیچاند و چسباندش به دیوار، کردش توی اتاق و در را هم قفل کرد و کلید را هم گذاشت توی جیبش، گفت: "حالا با کلنت من را بزن، تا پولم را ندهی کلید را نمی‌دهم." زالتاش گفت: "برایت می‌گیرم." گفت: "من فقط پول را می‌شناسم آن سکه محمدرضا شاه خائن را." حقتش را می‌خواست لمس بکند.

دوستان! کارگر اگر قدرت خودش را اول بشناسد، حقتش را هم از آن کاری که می‌کند بشناسد، من فکر می‌کنم خودش می‌رود و حقتش را می‌گیرد. البته اشکال بعدی ما داشتن سندیکاست.....

"به نظر من کارگر به ارزش و رسالت تاریخی خود پی نبرده است. کارگر باید بداند که در جامعه هر چیز که وجود دارد از کار کارگر است. از یک سوزن گرفته تا همان

خبرهای کارگری

مهمترین خبرهای کارخانجات در چند هفته گذشته:

تشکیل شوراهای کارگری، بازگشت کارگران اخراجی، تلاش برای گرفتن حقوق عقب افتاده، اجتماعات صنفی - سیاسی کارگران و دانشجویان، اخراج عناصر ضدانقلابی و ساواکی از کارخانه‌ها، افشاگری صاحبان ضدانقلابی کارخانه‌ها و مزدوران آنها، ادامه مبارزه برای پیشبرد سریع و صحیح انقلاب و...

تشکیل شوراهای کارگران چیت تهران

کارگران کارخانه چیت‌سازی تهران شورای کارگران کارخانه را برای نظارت در تولید و فروش محصولات کارخانه انتخاب کردند. در دیگر کارخانجات چیت‌سازی کار انتخابات شوراهای کارگری جریان دارد.

خشم انقلابی کارگران "نختاب فیروزان"

بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه "نختاب فیروزان" که در دو شیفت کار می‌کنند برای گرفتن دو ماه حقوق عقب افتاده خود را روز چهارشنبه ۹/۱۲/۵۷ دست از کار کشیدند. کارفرما قبول داد حقوق یک ماه را پرداخت کند و حقوق یک ماه دیگر را

بعدا بدهد. کارگران به کار بازگشتند اما کارفرما از پرداخت حقوق خودداری کرد. کارگران خشمگین دست به تهاجم زدند و اخطار کردند چنانچه کارفرما فوراً حقوق دو ماه عقب افتاده را ندهد، اداره کارخانه را به عهده خواهند گرفت. خشم انقلابی کارگران، کارفرما را مجبور به تسلیم کرد.

حمایت کمیته امام از صاحب کارخانه نپتون

کارگران کارخانه نپتون در کیلومتر ۱۵ ساوه روز شنبه ۲۸ بهمن برای گرفتن حقوق عقب مانده خود دست از کار کشیدند و با (یاسینی) صاحب کارخانه به گفتگو پرداختند. یاسینی ادعا کرد پول ندارد و خانه اش را گرو گذاشته است. یکی از کارگران به ماشین آخرین سیستم و دارایی‌های او اشاره کرد و گفت: "اما امروز حقوق خود را از تو می‌گیریم زیرا دیگر هیچ چیز نداریم بخوریم." در این هنگام چند تن از هم‌دستان کارفرما با یک کامیون افراد مسلح کمیته امام به کارخانه آمدند و با شلیک تیرهای هوایی کارگران و دانشجویانی را که برای حمایت از کارگران به کارخانه آمده بودند پراکنده کردند. مبارزات کارگران نپتون تا چند روز بعد ادامه داشت.

مهلت کارگران ایران ژنراتور به مدیرعامل

ده‌ها تن از کارگران اخراجی شرکت ایران ژنراتور و واحدهای وابسته همراه با گروهی از دانشجویان در هشتم اسفند در محل شرکت اجتماع کردند و خواستهای خود را بیان داشتند. مدیرعامل شرکت که از افراد ضدانقلابی است به مخالفت پرداخت و اظهار داشت شرکت نمی‌تواند افراد اخراجی را بپذیرد. کارگران پس از افشای مدیرعامل او را تحت نظر قرار دادند و تصمیم گرفتند شورای کارگری را جهت اداره شرکت، استخدام کارگران اخراجی و بازپرداخت حقوق عقب مانده با حضور اجباری مدیرعامل انتخاب کنند. ساعت ۸ شب از طرف کمیته امام گروهی مسلح وارد کارخانه شدند و از کارگران خواستند شرکت را ترک کنند. پس از مذاکره، برای جلوگیری از برخورد، کارگران قرار بعدی خود را به ۱۲ اسفند موکول کردند. کارگران به مدیرعامل مهلت دادند تا خواستهای آنها را برآورده کند، در غیراین صورت کارگران اداره کارخانه را به عهده خواهند گرفت. چون در مهلت تعیین شده به خواست‌های کارگران توجه نشد (با دخالت کمیته امام به نفع کارفرما) کارگران از روز سه شنبه ۱۵ اسفند در محل کارخانه متحصن شدند.

* کارگران مبارز کارخانه اتمسفر طی اعلامیه‌ای پیروزی‌های بدست آمده را به زحمتکشان تبریک گفته و توضیح داده اند که هنوز پیروزی کامل نیست، هنوز سرمایه‌داران و وابستگانشان در کارخانه‌ها فعالند، از احساسات پاک کارگران استفاده کرده به تعصبات خشک دامن می‌زنند. اعلامیه‌ها را که خواست‌های واقعی کارگران را مطرح می‌کنند، پاره می‌کنند و به هزار عذر و بهانه از تماس کارگران با روشنفکران انقلابی جلوگیری می‌کنند. اینها باید بدانند که کارگران حرف حق را از هر کسی با هر مرام و مسلکی قبول خواهند کرد و آن افراد و عقایدی را که پشتیبان آنهاست می‌پذیرند.

اعلام همبستگی ساواکی‌های شهر صنعتی اراک با انقلاب!

کارگران شهر صنعتی اراک در یک اجتماع کارگری از نفوذ عناصر ضدانقلابی و وابسته به ساواک ابراز نگرانی کردند. آنها گفتند شرایط فعلی نمی‌تواند هیچ تغییری در زندگی آنها بوجود آورد. در واحد خانه‌سازی صنعتی شهر صنعتی اراک مزدوران ساواک با تظاهر به طرفداری از آیت الله خمینی به سرکار خود برگشته‌اند و می‌خواهند در کار سندیگاهها و شوراهای کارگری اخلال کنند.

دهقانان: زمینهای از دست رفته خود را پس می‌گیریم.

دهقانان زمین‌های خود را باز پس گرفته‌اند، باغات و زمین‌هایی را که بوسیله عوامل مزدور رژیم گذشته اشغال شده بود بنفع خود مصادره کرده و تمامی سازمانهای فشار و چپاول و اختناق را متلاشی نموده‌اند. تلاش انقلابی خواهان و برادران روستایی ما در جهت تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب همچنان ادامه دارد. با این امید که پیوند انقلابی کارگر - بزرگر هر روز مستحکم تر و هم بستمتر شود.

روستائیان لر، زمین‌های خود را باز پس گرفتند

دهقانان انقلابی دو روستای لرستان که زمین‌هایشان بوسیله شرکت سهامی زراعی شیروان تصاحب شده بود اجتماعی تشکیل دادند و بدنبال آن زمین‌های تصرف شده خود را بازپس گرفتند و میان خود تقسیم کردند. دهقانان مبارز انبار و تاسیسات شرکت را که از حاصل دسترنج آنها بوجود آمده بود مهر و موم کردند تا پس از بررسی صورت‌برداری میان خود تقسیم کنند.

پیشنهاد تشکیل شوراهای روستایی در گنبدکاووس

بیش از ۱۵ هزار نفر از روستائیان گنبدکاووس همراه با کارگران، فرهنگیان، دانش‌آموزان و سایر مردم زحمتکش این شهر در اجتماع که هفته پیش تشکیل دادند خواستهای انقلابی خود را اعلام کردند. آنها برای اجرای این خواست‌ها دست به

دهقانان زحمتکش ایران که از سالیان دور تحت ستم خاندان ننگین پهلوی و عوامل مزدور آنها در روستاها بوده‌اند در کنار برادران کارگر و زحمتکشان دیگر سهم خود را در پیروزی انقلاب ادا کردند. خواهران و برادران روستایی ما داس‌های خود را آماده کرده‌اند تا سهم خویش را از خرمن انقلاب، با توش و توان هرچه بیشتر بدست آورند. در طول سالهای گذشته رژیم فاسد با برنامه ریزی حساب شده بیگانگان، کشتزارها را به بیابانهای بی آب و علف تبدیل کرد و روستاها را به ویرانی کشید: اجرای برنامه خانمان برانداز اصلاحات ارضی، برنامه باصلاح ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، باز کردن پای عمال رژیم به روستاها و ایجاد و تقویت انواع سازمانهای پلیسی و ژاندارمری و دولتی در دهات، تاسیس شرکتهای سهامی زراعی و بدنبال آن به بردگی کشاندن دهقانان، ایجاد شرکت‌های کشت و صنعت در بهترین زمین‌های مزروعی (زمین‌های پشت سدها)، واگذاری هکتارها زمین مزروعی و باغات به وابستگان دربار و اربابان سابق و سرمایه‌داران و ارتشیان و..... همه و همه در جهت سرکوب دهقانان زحمتکش و نابودی کشاورزی ایران بود. اما، امواج سهمگین انقلاب ناگهان به خروش آمد و همه چیز را دگرگون کرد. دهقانان سرکوب شده و دور رانده از سرزمین‌شان مردانه به پا خاستند و سنگرهای ظلم و فساد را درهم کوبیدند. امروز، از گوشه کنار روستاها خبر می‌رسد که

در کارخانه‌ها چه می‌گذرد؟

* کارگران کارخانه دوبر در روزهای شنبه ۲۸، یکشنبه ۲۹، دوشنبه ۳۰ و سه شنبه ۱ اسفند برای گرفتن حقوق چهارماه خود به اتفاق دانشجویان پیشگام در کارخانه اجتماع کردند. کارگران طی این مدت موفق به انتخاب نمایندگان و تشکیل شورای موقت خود شدند. کارگران پس از تشکیل شورای موقت و کشمکش فراوان با کارفرما، بالاخره موفق به دریافت چک حقوق خود شدند. در خاتمه کارگران کارخانه خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود را در شورای موقت به صورت قطعنامه ای ۱۳ ماده ای مطرح ساختند.

* روز سیزدهم اسفند گذشته کارگر با سابقه‌ای که در کارخانه جنرال صنعتی به اتهام رفت و آمد به دانشگاه تحت بازجویی دو مهندس از کمیته امام قرار گرفت، در دفاع از خود چنین گفته است: "هر وقت آقای طالقانی به دانشگاه نرفت من هم نخواهم رفت، ما خون داده‌ایم که آزاد باشیم، من فقط وقتی در کارخانه هستم، و قتم مال شماسست بقیه اوقاتم را خودم می‌دانم چگونه بگذرانم. شما با این کارها ما را وادار به قیام می‌کنید."

کارگر دیگری در همین کارخانه به بهانه تحریک کارگران و شورش از کارخانه اخراج شده است.

وضع مالکیت کارخانه شیر پاستوریزه روشن نیست. کارگران و کارمندان کارخانه شیر پاستوریزه در یک اجتماع انقلابی خواستار اخراج عناصر ضدانقلابی و محاکمه عوامل ساواک در حضور کارگران شدند. آنها همچنین خواهان تشکیل شورای موقتی جهت اداره کارخانه، بازگشت کارگران اخراجی و پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران و نیز روشن شدن وضع مالکیت کارخانه و فاش کردن نام سهامداران آن شدند.

مخالفت کارفرما با

نمایندگان کارگران تکنوکار کارگران تکنوکار نمایندگان خود را انتخاب کردند کارفرما که از قاطعیت و خصلت‌های انقلابی نمایندگان کارگران آگاهی داشت با این انتخاب مخالفت کرد. کارگران اعلام داشتند نمایندگانشان تغییر نخواهند کرد و چنانچه کارفرما به مخالفت ادامه دهد دست از کار خواهند کشید.

* کارگران کارخانه تریکو مدرن که قبلا در محل کارخانه متحصن شده بودند و تحت عنوان کمونیست به وسیله ماموران مسلح کمیته اما دستگیر و به مسجد الرضا منتقل و سپس آزاد شده بودند، روز شنبه سیزدهم اسفند توانستند کارفرمای توطئه‌گر را به زانو درآورند و تمام خواست‌های خود را با پیروزی عملی کنند.

ادبیات کارگری

طبقاً حاکم می‌کوشد با استفاده از فرهنگ و ادبیات فکر مقاومت و مبارزه را از سر توده‌ها بیرون کند.

اگر ما خوب دقت کنیم می‌بینیم که فرق بین یک کارگر و یک سرمایه‌دار فقط در این نیست که کارگر کار می‌کند و سرمایه‌دار کار نمی‌کند یا مثلاً زندگی کارگر همراه با سختی و محرومیت و فقر است در حالیکه سرمایه‌دار پولش از پارو بالا می‌رود. نه، تفاوت بین کارگر و سرمایه‌دار یا اصولاً تفاوت بین یک آدم زحمتکش با یک آدم مفتخور میلیونر خیلی بیشتر از اینهاست. ما می‌دانیم که هر طبقه و هر گروهی از مردم، بسته به اینکه در کجا و با چه شرایطی کار کنند و از چه طریقی احتیاجات زندگی خودشان را تامین کنند. افکار و عقاید و اخلاق بخصوصی پیدا می‌کنند. حتی سلیقه‌های آنها هم فرق می‌کند. مثلاً یک سرمایه‌دار هیچوقت با کارگران معاشرت نمی‌کند مگر اینکه نفعی در آن ببیند. دوستان و همکاران او، تفریحات و سرگرمی‌های او، افکار سیاسی او و حتی شکل برخورد او با مذهب و اخلاق، خلاصه همه چیز او، با کارگران فرق می‌کند. در نتیجه خیلی طبیعی است که ادبیات و هنر و اصولاً فرهنگ او هم فرق داشته باشد. در هر جامعه طبقاتی دو فرهنگ وجود دارد. فرهنگ طبقه حاکم و فرهنگ مردمی یا فرهنگ طبقه زیر سلطه. فرهنگ مسلط یعنی فرهنگ طبقه مسلط. فرهنگ طبقه حاکم، فرهنگ کسانی که بر خر مراد سوارند و مردم زحمتکش را استثمار می‌کنند. طبقه حاکم، همانطور که از دولت و ارتش و قوانین و دادگستری و غیره به نفع خودش استفاده می‌کند، سعی

می‌کند که از فرهنگ و ادبیات و هنر هم به نفع خودش استفاده کند و به کمک آنها مردم را بیشتر به بند بکشد و فکر مقاومت و مبارزه را از سرشان بیرون کند یا آنها را دعوت به تسلیم و اطاعت کند. مثلاً مرتب از راههای مختلف به مردم گفته می‌شود که انسانها با هم برابر نیستند و لازم است که بین آنها تفاوتهایی از نظر شکل زندگی و ثروت وجود داشته باشد. ضرب المثل‌های زیادی بین مردم رایج است که حتی کارگران و زحمتکشان هم آنها را بصورت امور مسلم و بدیهی تلقی می‌کنند، بدون اینکه بدانند این ضرب المثل‌ها از کجا پیدا شده و به منافع چه کسی است. مثلاً می‌گویند: "هر که بامش بیش برفش بیشتر" و این موضوع بنظر همه درست می‌آید. ولی باید پرسید چرا باید یک نفر بامش بیشتر باشد که برفش هم بیشتر بشود؟ یا می‌گویند: "پنج انگشت با هم برابر نیست" در جواب باید گفت: درست است که بعضی از انگشتها قدشان بلندتر است، اما آیا موقع کار کردن همه با هم کار نمی‌کنند؟ آیا یک انگشت بقیه انگشتها را استثمار می‌کند؟

طبقه مسلط در کشور ما تا چندی پیش طبقه سرمایه‌داری و ارباب‌سالارهای خارجی و امپریالیستی بود که هنوز هم بقایای آنها وجود دارند. این سرمایه‌دارها هیچوقت صنایع واقعی و ملی را در ایران بوجود نمی‌آورند و فقط اجناس خارجی را به ایران وارد می‌کنند تا پول بیشتر به جیب خارجی‌ها بریزند. فرهنگ این طبقه هم یک فرهنگ خارجی است که اصلاً با خصوصیات

و اعتقادات و اخلاق مردم کشور ما بیگانه است. اگر شما بیاد بیاورید که تا چند وقت پیش در رادیو و تلویزیون، در سینما و تئاترها و جشن هنرها و جشنواره‌ها، در مجلاتی مثل جوانان و زن روز و غیره، چه چیزهایی را به اسم ادبیات و هنر به مردم عرضه می‌کردند می‌بینید که یا درس هرزگی و عیاشی و بی‌قیدی می‌دادند یا قدرت و ارتش خودشان را و نظام ۲۵۰۰ ساله را به رخ مردم می‌کشیدند که کسی جرأت نکند حرف بزند و یا بر علیه همه افکار مترقی و نیرهای مترقی سمپاشی می‌کردند و تهمت می‌زدند تا آنها را بدنام کنند. خلاصه از همه این چیزها فقط برای این استفاده می‌کردند که خودشان بهتر بر گرده مردم سوار شوند و بهتر مردم را بچاپند و ثروت مملکت را به خارجی‌ها بدهند، ولی مردم هم خیلی راحت به این زور و فشار تسلیم نشدند و افکار و اعتقادات و خصوصیات خودشان را کاملاً از دست ندادند. مردم هم برای خودشان فرهنگ، هنر و ادبیاتی داشتند که دردها و مسائل خودشان را در آن مطرح می‌کردند. اما فرهنگ مسلط اصلاً نمی‌گذاشت که توده مردم از آن باخبر شوند و در جریان آن قرار بگیرند. فرهنگ مردمی هیچ امکانی برای چاپ و پخش عرضه نداشت و کسانی هم که می‌خواستند به مردم خدمت کنند و ادبیات مردمی و ملی بوجود بیاورند گرفتار ساواک می‌شدند و سرنوشت آنها زندان و شکنجه و اعدام و اینطور چیزها بود. مثلاً می‌دانید که از همان مشروطیت به بعد، میرزاده عشقی را کشتند، فرخی یزدی را کشتند، محمد مسعود و کریمپور شیرازی را کشتند، بهروز دهقانی و یارانش را

کشتند، خسروگل‌سرخ‌ی و کرامت‌الله دانشیان را کشتند و خیلی‌های دیگر را هم به زندان انداختند و شکنجه دادند. اما همانطور که مبارزات و مقاومت‌های دلیرانه مردم ما را که بر علیه زور و استبداد و امپریالیسم و جیره خواران امپریالیسم بود نتوانستند با وجود آنها توپ و تانک و ارتش و ساواک و غیره درهم بشکنند. فرهنگ مردمی را هم نتوانستند از بین ببرند. هزار سال پیش در کنار شاعرانی که فقط برای امیران و پادشاهان قصیده می‌ساختند و چاپلوسی می‌کردند و اصلاً کاری به مردم نداشتند، شاعرانی هم بودند که به زبان مردم و از دردهای مردم سخن می‌گفتند و مثلاً می‌گفتند:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از تو پرسم که این چون است و آن چون
یکی را داده ای صدگونه نعمت
یکی را نان جو آغشته در خون

حالا هم بعد از هزار سال هنوز شاعران و هنرمندانی هستند که خودشان را به طبقه حاکم نمی‌فروشند و از منافع توده‌های مردم دفاع می‌کنند. ما در آینده درباره اینکه ادبیات مردمی و کارگری اصولاً چه نوع ادبیاتی است و چه تفاوتی با انواع دیگر ادبیات دارد بیشتر صحبت خواهیم کرد و سعی می‌کنیم در هر شماره نمونه‌هایی از آثار ادبیات کارگری و نوشته‌های خود رفقای کارگر را چاپ کنیم. از رفقای عزیز کارگر خواهش می‌کنیم اگر نظری در این باره دارند یا اگر خودشان شعر و داستانی نوشته‌اند که فکر می‌کنند برای چاپ در این نشریه مناسب است آنها را برای ما بفرستند.

سندیکاها را بوجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

یا رشته تولیدی را جمع آوری کند تنها قسمتی از اهمیت سندیکاست. تشکل کارگران در سندیکاها با جمع شدن ساده کارگران پراکنده به دور هم تمام نمی‌شود. تشکل علاوه بر جمع شدن عده ای به دور هم به معنی تقسیم وظایف و هماهنگ عمل کردن است. همچنان که کارگران در تجربیات روزمره خوبی می‌دانند که از روی هم انباشتن تمام قطعات و اجزاء لازم موتور نمی‌توان نیرو تولید کرد، بلکه باید این اجزاء و قطعات را در نظم و سازمان خاص به همدیگر مربوط کرد.

همانطوری که یک رفیق کارگر با روشن بینی استدلال می‌کرد. قدرت ثمربخش یک تیم فوتبالی حاصل جمع قدرت‌های انفرادی و تکنیک تک تک آنها نیست، بلکه آنچه مهمتر است آرایش و هماهنگ کردن نیروی افراد این تیم است. چرا که در بی سازمانی مهارت‌های فردی نتیجه‌بخش نیست.

تقسیم وظایف و هماهنگ کردن بخش‌های مختلف اهمیت ویژه‌ای در کار سندیکا دارد.

سندیکا اگر چه یک واحد صنفی است با رهبری هیات مدیره و نظارت هیات بازرسی می‌تواند نقش راهنما و هماهنگ‌کننده مبارزات صنفی و سیاسی کارگران هر صنف یا رشته تولیدی را بعهده بگیرد.

هیات مدیره و بازرسان در

مجمع عمومی (جلسه‌ای که در آن همه اعضا شرکت دارند) با رای مخفی و آزادانه انتخاب می‌شوند. سندیکای واقعی مبارزات کارگران را تقویت می‌کند و از پراکندگی نیروها جلوگیری می‌کند. بین واحدهای مختلف تولیدی هماهنگی ایجاد می‌کند. مثلاً وقتی کارگران یک کارخانه برای رسیدن به خواست‌های خود تصمیم به اعتصاب می‌گیرند سندیکا باید اعتصاب این کارگران را با سایر بخش‌ها هماهنگ کند.

بطوری که ملاحظه شد کار هیات مدیره سندیکا و فعالین آن فقط جمع آوری ساده نظرات کارگران نیست بلکه مطالعه اوضاع و موقعیت کارگران آن رشته تولیدی خاص در رابطه با وضعیت و مسائل طبقه کارگر و انتخاب صحیح‌ترین اشکال و شیوه‌های مبارزه در جهت خواست‌های کارگران است. البته همه این کارها باید در چهارچوب برنامه‌ای که در مجمع عمومی به تصویب رسیده عملی گردد. سندیکا تنها وقتی می‌تواند نقش موثری داشته باشد که دربرگیرنده اکثریت کارگران فعال و مبارز باشد در جهت خواست‌های واقعی کارگران حرکت کند. سندیکا باید پیوندش را با اعضا همواره مستحکم تر سازد و پاسخگوی نیازهای کارگران باشد.

کارگران بایستی در انتخاب هیئت مدیره و اعضا

مسئول سندیکا زیاد دقت کنند. این اشخاص باید از میان عناصر صادق، وفادار به طبقه و صنف خود باشند. در مبارزات کارگران صادقانه شرکت داشته و دارای تجربه مبارزاتی باشند.

محدودیت کار سندیکا

همانطوری که می‌دانیم مبارزه دسته جمعی کارگران از طریق سندیکا و اتحادیه‌ها اساساً بدور محور خواست‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. یعنی اینکه بتوانند نیروی کار خود را با قیمت بالاتر و شرایط بهتری به سرمایه‌داران بفروشند. در حالی که طبقه کارگر برای رهایی قطعی از بهره‌کشی راهی جز بدست گرفتن قدرت سیاسی و الغاء مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و محور نظام سرمایه‌داری ندارد.

لازمه رسیدن به این هدف نهایی تلفیق تجربیات جنبش کارگری با اندیشه علمی است. مجهز شدن کارگران به دستاوردهای اندیشه علمی فقط از طریق مطالعه و پیوند با عناصر انقلابی که برای رهایی کارگران و نابودی استثمار مبارزه می‌کنند، میسر است. مبارزه طبقه کارگر بخودی خود در حد مبارزه اقتصادی و سندیکائی باقی می‌ماند. با بردن آگاهی سیاسی و طبقاتی بدرون طبقه کارگر باید این مبارزه را تا سطح مبارزه سیاسی ارتقاء داد اما طبقه کارگر

برای شرکت در مبارزه سیاسی و رسیدن به خواست نهایی و نابودی استثمار باید برای فراهم کردن شرایط بهتر برای کار و زندگی‌اش، در سندیکا و اتحادیه که دربرگیرنده تمامی کارگران با هر نوع فکر و عقیده می‌باشد فعالیت کند و از این مکتب درس‌های تشکیلاتی و سازماندهی مبارزانش را بیاموزد تا در مبارزه سیاسی و طبقاتی خود از آن بهره‌برداری کند.

دوستان کارگر، ضعف فعالیت‌های صنفی و سیاسی که ناشی از سلطه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در میهن مان بود باعث کم تجربگی طبقه کارگر در مبارزه‌اش شد. اما طبقه کارگر با شرکت موثرش در انقلاب تشکل و دانش مبارزاتی‌اش را تا حد زیادی گسترش داد.

با وجود این مسایل مبرم و زیادی در برابر جنبش کارگری قرار دارد. ما مطمئنیم با گسترش تشکل، آگاهی طبقاتی کارگران و روزبروز مستحکم‌تر شدن پیوند بین کارگران و نیروهای انقلابی شاهد پیروزیهای روزافزون طبقه کارگر میهنمان خواهیم بود. هرچه سخت‌تر بکوشیم و در تلاشمان برای رسیدن به خواست‌های حق طلبانه‌مان از پاننشینیم.

پیش بسوی تشکل طبقه کارگر هرچه فشرده تر باد صفوف متحد همه زحمتکشان انقلابی

سندیکاها را بوجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

بزرگداشت کارگران شهید صنعت چاپ

بعد از ظهر پنجشنبه سوم اسفند کارگران صنعت چاپ به مناسبت شهادت رفیق کارگر "اکبر پارسی کیا" که در جریان مبارزه مسلحانه ۲۲ بهمن به شهادت رسید مجلس یادبودی در محل خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان برگزار کردند. در این جلسه از خاطره جاودانه رفقای شهید صنعت چاپ یاد شد. از جمله: تیموراله وردی (کارگر چاپخانه اطلاعات) - اکبر مشهدی (کارگر چاپخانه کیهان) - مسلم نجف آبادی فراهانی (کارگر چاپخانه صنعت روز) - مجید علیزاده (کارگر چاپخانه جم) - اسماعیل کریمی (کارگر چاپخانه آبان) - عباس منتظری (کارگر چاپخانه زند).

همسر رفیق شهید اکبر پارسی کیا پیامی خطاب به کارگران و ملت مبارز ایران قرائت کرد و در پایان شعر زیر را خواند:

از او که تک فروغی بود،

به خورشید انقلاب بنگریم

از او که قطره‌ای بود،

به اقیانوس خلق ببانیدشیم

و از او که پای خسته‌ای بود،

به گام‌های استوار طبقه کارگر

ایمان آوریم

گرامی‌داشتن خاطره شهادت صنعت چاپ با درودهای آتشین رفقای شرکت‌کننده پایان یافت.

جاودانه باد یاد شهدای به خون خفته
راه آزادی

برقرار باد پرچم خونین انقلاب

سرخ

وابسته به دولت شده بود. رژیم ضدکارگری برای منحرف کردن مبارزات کارگران و بی‌آبرو کردن سندیکا امر به ایجاد سندیکاها فرمایشی داده بود، که به قول رفقای کارگر این سندیکاها فرمایشی و قلابی محل تجمع عناصر خودفروش و خائن به کارگر بود و وظیفه‌ای به جز حفظ منافع سرشار کارفرما و تحمیل این منافع به کارگران نداشت.

وظایف سندیکا

اما ببینیم سندیکای واقعی چه خصوصیتی دارد و وظایف آن چیست؟ سندیکای واقعی با شرکت اکثریت کارگران فعال و مبارز هر صنف تشکیل می‌شود. اعضای هیئت مدیره و مسئولین آن با انتخاب آزاد همه اعضا سندیکا برگزیده می‌شود. اما اینکه سندیکا نیروهای پراکنده کارگران هر صنف

بقیه در صفحه ۱۳

سازمان می‌دادند کارگران مبارز نیز بایستی با تقسیم وظایف و هماهنگ کردن این وظایف در جهت رسیدن به خواست‌های خود سازمان می‌دادند. از آنجائی که کارگران دارای منافع و هدف‌های مشترک هستند برای رسیدن به این منافع مشترک و هدف‌های مشترک، انواع تشکلهای کارگری مثل سندیکا و اتحادیه و غیره را بوجود آوردند. ولی سرمایه‌داران هیچ وقت به آسانی عقب‌نشینی نمی‌کنند در اواخر قرن هیجده سرمایه‌داران انگلستان که پیشرفته‌ترین کشور



سرمایه‌داری آن زمان بود با گذراندن قانونی تشکیل هر نوع اتحادیه‌ای را ممنوع کرد. این قانون پس از ۲۵ سال مبارزات پیگیر کارگران لغو شد.

در ایران نیز از ۷۰ سال پیش نخستین فعالیت‌ها به تشکیل اتحادیه کارگران چاپخانه انجامید و تا امروز تاریخ بر فراز و نشیب مبارزات کارگری پیروزیها و شکست‌های فراوانی را تجربه کرده است. در سال‌های اخیر اکثر سندیکاها یا تعطیل یا

است غیر از سایر کالاها. برای سرمایه‌داران در حکم چراغ جادوست و همه چیز برای آنها تولید می‌کند ولی برای کارگر حاصل فروش کارش زندگی بخور و نمیر. تلاش سرمایه‌داران همیشه برای خریدن نیروی کار کارگر با ارزانترین قیمت است. این مساله کارگران را، که از وسایل تولید محرومند، با سرمایه‌داران در مبارزه‌ای سخت و اجتناب‌ناپذیر درگیر می‌کند. مبارزه بر حق کارگران برای زندگی بهتر با سرمایه‌داران انگل که با حاصل کار آنها ثروت‌های افسانه‌ای به چنگ می‌زنند.

این مبارزه در طول تاریخ مراحل سخت و خونینی را پشت سر گذاشته است و در طی هر مرحله‌ای کارگران به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. مرحله مبارزات فردی و ماشینی‌شکنی تا مرحله مبارزه سندیکائی و نهایتاً مبارزه سیاسی و سازمان یافته.

با گسترش تکنولوژی، در نتیجه کار خلاق کارگران و دستاوردهای علمی، گسترش هرچه بیشتر تقسیم کار در نظام سرمایه‌داری، در بین کارگران مبارز فکر سازماندهی و هماهنگ کردن مبارزاتشان هرچه بیشتر قوت می‌گرفت.

همانطوری که سرمایه‌داران به وسیله کارگزارانشان کار تولید را با تقسیم وظایف و هماهنگ کردن کار قسمت‌های مختلف هرچه بیشتر

کار:

کار شرط اساسی اولیه برای تمام موجودیت بشر است و این تا آن حد صادق است که باید بگوییم به یک معنی کار خود انسان را آفرید. به عبارت دیگر کار، وجه تمایز بین انسان و حیوان را فراهم آورد. در حقیقت تفاوت انسان و حیوان این است که:

حیوان صرفاً محیط را مورد استفاده قرار می‌دهد و تغییراتی که در آن بوجود می‌آورد فقط در اثر حضور است. اما انسان توسط تغییراتی که در محیط می‌دهد آن را به خدمت اهداف خود درمی‌آورد. انسان‌ها توسط توام کردن عملکرد دست‌ها، ارگان‌های سخن و مغز، نه تنها بصورت انفرادی بلکه همچنین در جامعه قادر شدند که عملیات پیچیده‌تری را انجام دهند و بر هدف‌های عالی‌تری دست یابند.

"انگلس"